

جهانی شدن مدیریت

سیدمهدی الوانی¹

تاریخ دریافت: 1390/3/12 تاریخ پذیرش: 1390/4/1

چکیده:

در عصر ما جهانی شدن شکل تازه‌ای به روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داده و سازمان‌ها را دستخوش تحولات عمیقی کرده است. مدیریت در عصر جهانی شدن باید پاسخگوی نیازهای جدیدی باشد که قبلاً به این صورت مطرح نبوده است. مدیریت سازمان‌ها باید از این پدیده نوظهور فرصت‌های تازه‌ای خلق کند و قبل از آنکه آن را تهدید به‌شمار آورد به ثمربخشی‌های آن بیندیشد و از آن بهره‌گیرد.

در مقاله حاضر ضمن توصیف دیدگاه‌های مختلف در مورد جهانی شدن و چالش‌های پیش روی مدیران، نکاتی برای رویارویی سازمان‌ها با این پدیده بیان گردیده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، مدیریت، سازمان، فرصت و چالش.

مقدمه:

مسیر پرفراز و نشیب نظریات مدیریت و عبور آن از قله‌هایی مانند مدیریت سنتی یا مدیریت علمی، مدیریت روابط انسانی، مدیریت همه‌جانبه نگر و بالاخره مدیریت راهبردی نوید فضای با ثباتی را در عرصه مدیریت می‌داد که تصویری خوشبینانه را فراروی ما قرار می‌داد. اما در دهه‌های اخیر خصوصاً پس از فروپاشی بلوک شرق و طرح مباحث جهانی شدن یا جهانی سازی و ایجاد شرکت‌های بزرگ بین‌المللی که فراتر از مرزهای جغرافیایی فعالیت دارند، موضوع جدیدی را به فرهنگ مدیریت افزود و مدیریت جهانی را مطرح نمود که پیچیدگی و ابهامات خاص خود را دارد. همچنین تشکیل اتحادیه‌های بزرگ از کشورهای مختلف و گرایش قوانین و مقررات داخلی کشورها به سمت قوانین منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند حرکتی در راستای مدیریت جهانی تلقی شود. علاوه بر آن بروز مسائل و مشکلات فوق-العاده پیچیده و غامض در عرصه‌های مختلف به‌ویژه محیط زیست بشری، ضرورت و لزوم مقوله جدید مدیریت جهانی را دوسدچندان نموده است.

مفهومی نو به نام جهانی شدن:

¹ - عضو هیأت علمی (استاد) دانشگاه علامه طباطبائی و سردبیر فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن

پدیده جهانی شدن از نظر نظریه پردازان و صاحب نظران علم، به گونه های مختلفی تعبیر و تفسیر شده است. اقتصاديون جهانی شدن را حاصل غلبه نظام سرمایه داری دانسته اند. همچنانکه مارکس گفته بود: سوداگران، جهان را مطابق با تصور و اندیشه خود، بازآفرینی می کنند (واترز، 1379). اندیشمندان سازمان، جهانی شدن را معلول صنعتی شدن و غلبه مفهوم عقلانیت در مجموعه های سازمانی در کل جهان دانسته اند. صنعتی شدن عامل پیشبرد در رفتارهای مشابه در درون فرهنگ های متنوع بوده است و به عنوان یک عامل یکسان ساز در این زمینه عمل کرده است. دانشمندان علوم سیاسی تقارب و نزدیکی سیاستها و خط مشی های عمومی را در جهان به جهانی شدن تعبیر کرده اند. (Common, 1998)

فرهنگ شناسان و علمای علم الاجتماع توسعه فرهنگی در جهان و تعامل فرهنگها را عامل شتاب دهنده جهانی شدن قلمداد نموده اند. گیدنز معتقد است جهانی شدن روابط اجتماعی را از محیط کشوری خارج ساخته و آن را در قلمروی بی نهایت زمان و مکان قرار داده است. (Giddens, 1990) در جهانی شدن، کشورها بهم وابسته و نزدیک شده اند و این نزدیکی به همگونی فرهنگها انجامیده است. مک لوهان رسانه ها و ابزارهای تبادل فرهنگی را مهمتر از محتوای فرهنگها می داند و دهکده جهانی را برآیند ابزارهای پیشرفته ارتباطی می داند که تسهیل کننده مبادلات فرهنگی می باشد. اصل تعیین کننده فرهنگها نه محتوای آن، بلکه نقش رسانه ای است که فرهنگ از طریق آن منتقل می شود. رسانه شامل هر وسیله ای برای گسترش مفاهیم است و از این رو شامل هم تکنولوژی حمل و نقل و هم تکنولوژی ارتباطات می باشد. (McLuhan, 1964) بدین ترتیب نظریه پردازان ارتباطات، جهانی شدن را از دید روابط سریع و سهل میان جوامع مورد بررسی قرار داده و تکنولوژی پیشرفته ارتباطی را عامل پیش برنده جهانی شدن ذکر کرده اند. ارایه خدمات از راه دور به کمک تکنولوژی های جدید ارتباطی خبر از پایان مرزهای سیاسی و تقسیم بندی های مجازی می دهد. محیط گرایان و بوم شناسان نیز از دریچه چشم خود به موضوع جهانی شدن می نگرند و بقای این کره خاکی را در گروی یک عزم جهانی می دانند. افزایش گازهای گلخانه ای، جنگل زدایی های گسترده، نازک شدن لایه اوزن، آلودگی محیط زیست، همه حاکی از به هم خوردن توازن طبیعی محیط زیست بشری است که اگر توجه جهانی به آن مبذول نشود به بحرانی مهلک تبدیل خواهد شد. بر اساس اسطوره ای یونانی اگر الهه زمین یا گایا² مورد تهدید واقع شود او هم به نوع بشر حمله کرده و او را نابود خواهد کرد. (واترز، 1379) وضعیت نابسامان کره زمین وحشتی را به وجود آورده است که هم محصول جهانی شدن است و هم به فرایند جهانی شدن کمک می کند.

همانگونه که ملاحظه می شود جهانی شدن به شکل های مختلفی توصیف شده است؛ برخی آن را همان انقلاب ارتباطات دانسته اند؛ گروهی آنرا شکلی از فرانون گرای یا پست مدرنیسم دیده اند و عده ای جهانی شدن را شکل جدیدی از دولتهای بدون مرز قلمداد کرده اند. خوش بینان به این پدیده به عنوان عاملی برای رشد، صلح و دوستی، نزدیکی ملت ها به هم و فراوانی و نعمت نگریده اند و بدبینان نیز آنرا مترادف بحران، فقر، از میان رفتن جوامع ضعیف و رقابتی نابرابر دانسته اند.

² - Gaia

نگرش‌های متفاوت به جهانی شدن موجب ارایه تعاریف متفاوتی از این پدیده شده که می‌توان آنها را در پنج طبقه کلی دسته بندی نمود:

1- جهانی شدن به عنوان بین‌المللی شدن³

از این دیدگاه جهانی شدن توصیفی برای بیان ارتباط نزدیکتر میان دولت‌ها و مبادلات ساده‌تر و سهل‌تر میان آنهاست. هیرست و تامپسون جهانی شدن را در این حالت جریان فزاینده و عظیم تجارت و سرمایه میان کشورها و مبادلات ساده‌تر، سریع‌تر و بیشتر بین جوامع دانسته اند (Hirst & Thompson, 1996).

2- جهانی شدن به مثابه مرززدایی و آزادسازی⁴

در این دیدگاه جهانی شدن اشاره به حرکتی در دولت‌ها دارد که موجب آزاد شدن مبادلات بین آنها و دیگر کشورها شده و به ایجاد فضایی بدون مرز و باز از جهت اقتصادی و مالی و پولی بین کشورها منجر می‌گردد. در این دسته از تعاریف، یکپارچگی اقتصادی، حاصل جهانی شدن به شمار می‌رود. (Sannder, 1996) از میان رفتن ویزا بین کشورهای اروپایی، یکسان شدن واحد پولی و برداشتن قیود کنترلی در ورود و خروج کالا و خدمات بین آنها، شاهدهی بر صحت این دسته از تعاریف است.

3- جهانی شدن به معنای دنیایی شدن⁵

در این دیدگاه جهانی شدن به معنای گسترده ساختن تجربیات و ارزش‌ها در اقصی نقاط دنیا و میان مردمان این کره خاکی است. به عبارت دیگر دنیایی شدن خبر از ترکیب و تلفیق فرهنگ‌ها و تجربه های مردمان دنیا می‌دهد. همه گیر شدن الگوهای مصرف، رواج شیوه های یکسان زندگی و اداره امور سازمان‌ها بطور مشابه، مثال‌هایی از دنیایی شدن است. نظریه های جهان شمول در حوزه های مختلف علمی و کاربرد آن در تمامی دنیا مصداق دیگری از دنیایی شدن می باشد.

4- جهانی شدن متراف غربی شدن و تجددطلبی⁶

در این دسته از تعاریف بکارگیری و پذیرش شیوه های زندگی اروپایی و آمریکایی در زمینه‌های اقتصاد، تجارت، مدیریت و صنعت و سایر زمینه‌ها، جهانی شدن نامیده می‌شود. گیدنز از زمره کسانی است که مدرنیاسیون و تجدد طلبی به شیوه غربی را مترادف جهانی شدن دانسته است. (Giddens, 1990)

5- جهانی شدن یا سرزمین‌زدایی⁷

در این طبقه از تعاریف مرزهای جغرافیایی کمرنگ شده و اهمیت گذشته خود را از دست می‌دهند. فضای اجتماعی در درون مرزبندی‌های سنتی تعریف نمی‌شود و همه جای این گیتی پهناور سرای انسان می‌شود. سرحدات جغرافیایی دستخوش دگرگونی می‌گردند و مرزها حالتی ماورای مرزی⁸ یا مرزگذر پیدا می‌کنند. (Held, 1999) در این دسته

³ - Internationalization

⁴ - Liberalization

⁵ - Universalization

⁶ - Westernization & Modernization

⁷ - Deterritorialization

⁸ - Transborder

از تعاریف روابط فرامنطقه‌ای⁹ روابط غالب میان مردمان کشورها است، پدیده جهانی شدن، جغرافیای سنتی را که مناطق را از هم جدا می‌کرد در نوردیده و مرزهای قدیمی را در هم شکسته است و از اینرو واژه‌های بین‌المللی و فراملی نمی‌توانند رسانای این حالت باشند که در آن هیچ چیزی دور نیست و فاصله‌های مکانی اهمیت چندانی ندارند. اگر در گذشته روابط بین‌المللی تابع مرزهای سیاسی و جغرافیایی بود، روابط در دنیای جهانی شده تابع مرزها و سرحدات سیاسی نمی‌باشد و هیچگونه مرزی را بر نمی‌تابد.

جهانی شدن نظرات موافقان و مخالفان:

نظرات در مورد جهانی شدن متفاوت و غالباً متضاد است. از یک سو بسیاری جهانی شدن را یک نیروی توسعه‌دهنده، رفاه‌بخش، پیام‌آور صلح و دوستی میان ملت‌ها و دموکراسی می‌دانند که در آن هر کشوری در یک "جامعه جهانی"¹⁰ از مزیت‌های گسترده دنیایی بهره‌مند می‌شود. در مقابل، گروه دیگری جهانی شدن را نوعی تبعیض، چپاول و تاراج جهانی می‌نامند که در جریان آن ملل فقیر و کشورهای پیشرفته از این پدیده منتفع می‌گردند.

امنیت کشورهای جهان سوم و عدالت و دموکراسی در آنها به سبب جهانی شدن آسیب می‌بینند، در حالیکه کشورهای جهان اول از قبیل جهانی شدن امنیت و عدالت و دموکراسی تضمین شده تری را بدست می‌آورند. جهانی شدن با همکاری و نزدیکی ملتها، جنگ‌ها و منازعات را به حداقل می‌رساند، غلبه بر بیماری‌ها و کجروی‌های اجتماعی را ساده می‌سازد و به کمک سازوکارهای ارتباطی موجب شفافیت عملکردها می‌گردد و با استعانت از فناوری‌های نو امکان مشارکت همگان در اداره امور را فراهم می‌آورد. تحقق این موارد همانا تحقق امنیت، عدالت و دموکراسی است.

اما منتقدان این مزایا را خاص کشورهای پیشرفته و توسعه یافته می‌دانند و معتقدند که در کشورهای در حال توسعه منازعات میان فرقه‌ها و گروه‌های قومی بیشتر می‌شود، فقر و بیماری به علت رقابت نابرابر در این کشورها افزایش می‌یابد و به علت سطح پایین سواد و تخصص، یک گروه نخبه بر توده‌ها مسلط شده و حکمرانی آمرانه‌ای شکل می‌گیرد که مخالف با روح دموکراسی و مردم‌سالاری است. بنابراین جهانی شدن به سود کشورهای فقیر و توسعه یافته نیست. (Seholte, 2000)

بدین ترتیب جهانی شدن با همه مزایا و محدودیت‌هایش به عنوان پدیده‌ای کثیرالوجه و منشوری در مسائل اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک، اجتماعی، و زیست‌محیطی اثرات تعیین‌کننده‌ای را بر جای می‌گذارد و به هیچ رو نمی‌توان آن را انکار کرد و از آن احتراز نمود. جهانی شدن را باید باور کرد و به جای نفی آن، در اداره و مدیریت مؤثر بر آن همت گماشت.

جهانی شدن زائیده شرایط غیرقابل اجتناب دوران حاضر است که ابعاد گوناگونی را در بر می‌گیرد. روزنائو (1992)¹¹ شرایط جهانی شدن را نتیجه رخدادهایی می‌داند که به سرعت همه جا را تحت تأثیر خود قرار داده است، رخدادهایی چون:

⁹ - Supraterritorial

¹⁰ - World Society

¹¹ - Rosenau

- 1- تحولات سریع و گسترده فناوری و فراصنعتی شدن که شکل تازه ای به ارتباطات داده و فواصل موجود را بی-معنی کرده است، در پرتوی این تحولات امکان جابجایی افراد، عقاید، اخبار و منابع در سراسر این کره خاکی با سرعتی باور نکردنی فراهم آمده است.
 - 2- ظهور و پیدایی مسائل مختلف اجتماعی، امنیتی، بهداشتی، و زیست محیطی که راه حل های آن فراتر از حوزه اقتدار و اختیار یک دولت یا کشور خاص است و همه کشورها باید در رفع و مواجهه با آن اقدام کنند.
 - 3- ناکارآمدی قوانین و موازین درون کشوری برای حل مسائل جهانی که ضرورت قراردادها و توافقات جهانی را محسوس می سازد.
 - 4- ظهور تشکل های جدید و نیرومند غیردولتی در جوامع، مانند سازمان های غیردولتی¹² و سازمان های داوطلبانه که خود شبکه ای جهانی را تشکیل داده و حرکت های جهانی در مسائل را شدت بخشیده اند.
 - 5- آگاهی شهروندان در زمینه های مختلف و مطرح شدن انتظارات و مطالبات جدیدی که حاصل تعاملات جهانی است.
 - 6- گسترش روابط اقتصادی و توسعه سرمایه داری که روابط میان کشورها را الزام آور می سازد. همانگونه که از ویژگی های شرایط جدید در دنیا مستفاد می شود، نمی توان این شرایط را معکوس نموده یا متوقف کرد، پس تنها راه، مدیریت مؤثر و سازگاری سازنده با آنهاست. در اینجاست که نقش مدیریت جهانی بارز و حساس می شود و نقش های جدیدی برای توفیق آن مطرح می گردد. بدین جهت در اینجا به برخی از ویژگی های سستی مدیریت اشاره می شود که امکان موفقیت در مواجهه با جهانی شدن را از سازمان های تحت نظر آن سلب می نماید.
- سنت درون نگری مدیریت ها که مشغول به مسائل درونی بوده و از دنیای خارج غفلت می ورزند، ایستایی شناختی و عدم حرکت با تحولات زمانه را به وجود آورده و تحلیل های تجویزی برای نیل به نتایج عملی را سرلوحه فعالیت های خود قرار می دهد. این شکل مدیریت، چالش های فراوانی را برای مدیریت ایجاد می کند که برای رفع آنها باید طرحی تازه را در اندازد و شیوه های جدیدی را تجربه کند.

اثرات جهانی شدن بر سازمان ها:

جهانی شدن با گسترده شدن روزافزون، عرصه های مبهمی را فراروی سازمان ها اعم از خصوصی و عمومی گسترانیده است. اختیار و استقلال سازمان ها به نحو چشمگیری به تصمیمات دیگر سازمان ها در دیگر کشورها مرتبط گردیده و آزادی عمل سابق محدود شده است.

اثرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک و قانونی عناصر جهانی، در هر کشوری بیش از اثرات سازمان های داخلی آن کشور، نافذ و تعیین کننده گردیده است. (Heilbroner، ۱۹۹۲)

روابط اقتصادی کشورها بطور روزافزونی بوسیله نیروهای بازار جهانی شکل می گیرند. قبل از آنکه نیروهای بازار ملی بتواند اثرات تعیین کننده ای بر این روابط داشته باشند، اثرات جهانی شدن در شرایط اعمال شده توسط بانک جهانی

¹² - NGOs

به صندوق بین‌المللی پول و سایر ارگانهای بین‌المللی بر کشورها کاملاً مشهود است. فرضاً سازمانهای جهانی برای تخصیص اعتبار به کشورهای در حال توسعه یک سلسله اقدامات و سیاست‌هایی را از سوی آنها لازم می‌دانند. آنها می‌بایست اصلاحات اقتصادی، سیاسی و سازمانی خاصی را انجام دهند که ممکن است با سیاست‌های داخلی آنها هماهنگ نباشد. (Sunkel & Zuleta, ۱۹۹۵)

در عصر جهانی‌شدن دیگر هیچگونه فعالیت اقتصادی نیست که صرفاً محلی باشد. سرمایه‌گذاری تولید، مصرف و توزیع در قلمروهای جهانی شکل می‌گیرند و تحقق می‌یابند. انقلاب در ارتباطات جهانی و تکنولوژی اطلاع‌رسانی، درک انسان را از فضای جغرافیایی و فیزیکی در ابعاد زمانی و مکانی دگرگون ساخته است. از تمامی جهات دنیا کوچک‌تر و کوچک‌تر شده است و انسان‌ها بهم نزدیکتر از گذشته گردیده‌اند و در این موقعیت ارتباطی و اطلاعاتی مرزبندی‌های سیاسی کم اهمیت شده‌اند. فاصله مؤثر جایگزین فاصله جغرافیایی شده و شبکه‌های متراکم و پیچیده ارتباطی و سازمانی، دولت‌ها را بهم نزدیک ساخته و پیوندهای فراملی قوت یافته‌اند. سهولت دسترسی به اطلاعات، انحصار دولت‌ها را از نظر در اختیار داشتن اطلاعات شکسته و از این جهت نیز آنها را تضعیف نموده است. به همراه این دگرگونی‌ها روابط اجتماعی انسان‌ها نیز دستخوش تغییر شده و برای بسیاری از مردمان علائق و منافع‌شان از حیطه‌های درون مرزی به حیطه‌های برون مرزی کشانیده شده است. (Huddleston, ۲۰۰۰)

در جهانی‌شدن دولت‌ها و به تبع آن مدیریت دولتی در میان دو جریان متضاد قرار گرفته‌اند از یکسو فشار محلی شدن و واگذاری قدرت به جوامع محلی و نهادهای غیردولتی مطرح شده که پاسخی است به انتظارات شهروندان و رفع نارضایتی آنان که اسونسن (Svensson, ۲۰۰۰) آنرا محلی‌شدن جهانی (Globalization) نامیده است. (Kettle, ۲۰۰۰, Lenkowsky, ۲۰۰۰)

در مسیر محلی‌شدن، دولت، قدرت‌زدایی شده و تقلیل وظیفه پیدا می‌کند و مشارکت نهادهای غیردولتی و محلی در انجام امور عمومی سرعت می‌گیرد. اما در عین حال نگرش جهان‌نگر در جریان جهانی‌شدن نیز وجود دارد و دولت خود را ملزم می‌داند تا در مسیر همکاری با سایر دولت‌ها و قرار گرفتن در یک شبکه ارتباطی جهانی اقدام کند. سازمان‌های خصوصی نیز به تبع دولت در این جریان جهانی-محلی برای موفقیت باید تلاش کنند و خود را با انتظارات داخلی و خارجی بطور سازنده‌ای سازگار کنند.

واترز ابعاد مختلف سازمانی و بین‌المللی جهانی‌شدن را در وضعیت فعلی و آتی به‌خوبی نشان داده است. جدول شماره (1) نشانگر دیدگاه وی می‌باشد.

ابعاد	وضعیت فعلی	وضعیت آتی (جهانی‌شدن)
حاکمیت دولت	بحران و تضعیف دولت	مراکز چندقطبی قدرت در سطوح جهانی

محور فعالیت برای حل مسائل جهانی	توجه بر مسائل محلی - جهانی	حل مسائل محلی در بستر جامعه جهانی
سازمان‌های بین‌المللی	گسترش روزافزون اما فاقد قدرت	مقتدر و مسلط بر سازمان‌های ملی
روابط بین‌الملل	سیستم ابرقدرتی رو به تضعیف	سیال و چند مرکزی
فرهنگ سیاسی	فرامادی‌گرایی دمکراسی	برتری تعهدات ارزشی مشترک و جهانی

جدول شماره 1- ابعاد مختلف سازمانی و بین‌المللی جهانی شدن (به نقل از مالکوم واترز: 1379)

همانگونه که در جدول شماره 1 ملاحظه می‌شود جهانی شدن شرایط متحولی را برای سازمان‌های خصوصی و عمومی رقم زده است و بحران‌های گوناگونی را برای آنها ایجاد کرده است. پاسخگویی ملی و محلی جای خود را به پاسخگویی جهانی و بین‌المللی داده است و تضاد بین این دو مدیران را با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو ساخته است. در شرایط کنونی انجام برنامه‌ها و فعالیت‌ها باید با رعایت ضوابط و مقررات جهانی صورت گیرند، در حالی که در مواردی این قوانین با قوانین داخلی مطابقت و همخوانی ندارند، جهانی شدن و توسعه ارتباطات روابط اقتصادی و نظارت‌های دولتی بر آنها را دستخوش تغییرات عمده کرده است. هر روزه مبالغ بالایی به طور الکترونیکی در دنیا مبادله می‌شود بدون آنکه مبادله کنندگان ملزم باشند مانند گذشته قوانین درون کشوری را رعایت نمایند. حاکمیت اقتصادی دولت‌ها کمرنگ شده و به جای آن حاکمیت اقتصاد جهانی پررنگ و اثرگذارتر گردیده است. خلاصه آنکه جهانی دیگر با قواعدی دیگر به وجود آمده که برای کامیابی باید به قواعد آن گردن نهاد تا بتوان بر آن مسلط گردید، که یادآور آن گفته معروف بیکن است که: برای آنکه بر طبیعت حکم برانید باید از آن اطاعت کنید¹³. همانگونه که اشاره شد، جهانی شدن ماهیت، ساختار و فرایندهای عملیاتی سازمان‌ها اعم از خصوصی یا عمومی را تحت تأثیر عمیقی قرار داده و انتخاب‌های آنان را بسیار محدود ساخته (Rosenav، ۱۹۹۲) و مدیران در اجرای مأموریت‌های خود چه در داخل کشور و چه در خارج تحت تأثیر مسائل جهانی و سیاست‌های بین‌المللی، مجبور به نوسازی و بازسازی ساختاری و فرایندی سازمان‌های خود گردیده‌اند. بسیاری از ابزارهای گذشته که به‌سادگی مورد استفاده قرار می‌گرفت و کارایی لازم را دارا بود، اکنون امکان استفاده قبلی را از دست داده یا استفاده از آنها به بهای گرانی تمام می‌شود. سازمان‌ها قبل از آنکه تحت تأثیر قوانین داخلی باشند، باید به الزامات بین‌المللی متعهد باشند و درون‌نگری سازمانی جای خود را به برون‌نگری جهانی داده است.

جهانی شدن شرایطی را پیش آورده است که وقایع محلی و منطقه‌ای تحت تأثیر نیروهای بسیار دورتر از خود قرار گرفته‌اند. روابط اجتماعی از محله و منطقه و کشور به روابط جهانی و دنیایی تبدیل شده‌اند.

۱۳ - The nature to be commanded must be obeyed.

راه‌های کامیابی سازمان‌ها در جهانی شدن:

وظیفه و نقش مدیران در عصر جهانی شدن بسیار خطیر و دشوار گردیده است. برای حل مسائل پیچیده ناشی از جهانی شدن مدیران باید به دانش پیچیدگی و آشوبناکی مجهز گردند و واجد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جدیدی بشوند. سازمان‌ها باید به معماری مجدد ساختارها و فرایندهای خود براساس روابط جهانی اقدام کنند و طرحی تازه برای این دوران بیاندیشند.

مدیران سازمان‌ها باید ضمن پاسخگویی به نیازهای محلی و منطقه‌ای و ملی، به الزامات جهانی و بین‌المللی نیز پاسخ دهند. آنان باید در عرصه جهانی شدن صرفاً تحت تأثیر نیروهای دیگر کشورها قرار نگیرند بلکه خود بتوانند بر دیگر کشورها اثر بگذارند و این تعامل و اثرگذاری متقابل را در جهت اهداف نهایی خود تنظیم نمایند.

بر اساس نظریه توپ بیلارد برتون (Burton, 1972) در بازی بیلارد میزان انرژی هر توپ در حرکت اولیه به قدرت سازمان و کشور معینی تعلق دارد، اما به محض آنکه حرکت توپ‌ها آغاز می‌شوند، استقلال عمل در توپ نه فقط تحت تأثیر نیروی اولیه بلکه به حرکات و مواضع سایر توپ‌ها (سازمان‌های دیگر کشورها) مربوط و محدود می‌شود. بدین ترتیب مدیران سازمان‌ها باید بتوانند در این بازی جهانی که تعاملات پیچیده‌ای در آن جریان دارد، روابط را به نفع خود تغییر دهند و حرکت و فعالیت‌های خود را در بستر جهانی قرین توفیق سازند.

مدیران دولتی باید بدانند که جهانی شدن آثاری چون تحرک پذیری و سیال شدن سرمایه‌های مادی و انسانی، مهاجرت‌های خارج از کنترل، آلودگی‌های زیست محیطی فراگیر، مسائل بهداشتی و درمانی و بیماری‌های مسری، ... را در پی دارد. مدیران امروز باید مسائل جهانی را مدیریت کنند و مدیریت مأنوس با مسائل خانگی و مشغول به مشکلات داخلی مسلماً آمادگی روبرویی با مسائل جهانی را نخواهد داشت.

نویسندگانی که با نگاه مثبت به جهانی شدن می‌نگرند و معتقدند با اتخاذ راهبردهای مناسب می‌توان تهدیدات ناشی از جهانی شدن را به فرصت تبدیل نمود، راهکارهایی را برای کامیابی مدیران در این دوران ارائه داده‌اند که به برخی از آنها اجمالاً اشاره می‌شود (Cooper, 1998, Zamor, 1994, Farazmand, 1999):

1- مدیریت امروز برای موفقیت در جهانی شدن باید خود را به روز نماید و از رفتارهایی که در گذشته بدانها خوگر شده رها شود. رفتار مدیریت در ساختارهای سلسله مراتبی و غیرقابل انعطاف از نوعی جمود و سکون رنج می‌برد و با چنین ساختارهایی نمی‌توان به استقبال دنیای آینده رفت. ساختارهای مسطح، ارتباطات موازی و روابط مشارکت جو مناسب مدیریت جهانی است. مدیریت جهانی باید ساختارهای عمودی و سلسله مراتبی را کنار نهاده و به ساختارهایی نو، انعطاف پذیر و شبکه‌ای روی آورد.

2- دانشی شدن مدیریت طریق دیگر اداره امور در عصر جهانی شدن است. داشتن قدرت تولید دانش، نیروی برتری بخش کشورهاست که نهایتاً به برتری اقتصادی و سیاسی در عرصه جهانی منجر می‌گردد. برای اثرگذاری در عرصه جهانی، مدیریت باید خود را به تخصص‌های لازم مجهز نماید و از نیروهای توانمند علمی و مجرب بهره‌گیرد. با

ذهن‌های ساده اندیش و ناتوان نمی توان به حل مسائل پیچیده دوران جهانی شدن اقدام نمود. مدیریت جهانی باید مجهز به آگاهی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی در معیاری جهانی باشد تا بتواند منافع سهام‌داران و مخاطبان خود را در کنار منافع جهانی بهینه سازد. شایسته سالاری در سازمان‌ها و بهره‌گیری از نیروهای توانمند و دانش‌آفرین راه حل مؤثر در صحنه رقابت‌های جهانی است. در دنیای آینده سازمان‌هایی که مبنای خود را بر دانش استوار کرده‌اند، پایدار خواهند بود و دانشی شدن تنها راه بقا محسوب می‌شود. مدیریت جهانی باید بتواند با استفاده از اهرم‌های دانشی و یافتن نقاط حساس برای عمل با صرف نیروی کم، نتایج بزرگ بدست آورد. مدیریت جهانی باید چابک، توانمند و دانشی باشد. این چنین مدیریتی از کلیه نیروهای موجود بهره می‌گیرد و به کمک توانایی آنها و ساماندهی کارآمد تشکل‌های خصوصی، عمومی و مردمی در عرصه جهانی با قدرت ظاهر می‌شود و بهره‌وری خود را از طریق دانش بنیان شدن ارتقاء می‌بخشد.

3- مشارکتی بودن مدیریت و بهره‌گیری از مشارکت مردم در نظام مدیریت به ایجاد یک هویت جمعی¹⁴ و آرمان مشترک برای اقدام جهانی می‌انجامد و این وضعیت مدیریت را قادر به اقدامات موفقیت آمیز و بدون تعارض و تضاد در ارتباطات جهانی خواهد کرد. همراهی مردم و نهادهای غیردولتی با سازمان‌های عمومی و خصوصی موجب توانمندی سازمان‌ها در جهانی شدن می‌گردد. مشارکتی بودن مدیریت سازمان‌ها بحران مشروعیت و مقبولیت را در جهانی شدن تخفیف می‌دهد و امکان عملکرد موفق مدیریت را افزون می‌سازد. برای نیل به این هدف باید در ایجاد جو اعتماد در جامعه بکوشند و با ایجاد سرمایه اجتماعی¹⁵ و صراحت و صداقت در سیاست‌ها و عملکردهایشان همبستگی مردمی با سازمان را تحقق بخشند. مدیران سازمان‌ها باید بدانند تنها نباید در پی تحقق اهداف سازمان خود باشند، بلکه باید با قبول مسئولیت اجتماعی، جامعه را همراه خود کنند و با مشارکت جمعی توانایی لازم برای رویارویی با پدیده جهانی شدن را پیدا کنند.

4- هنر اداره شبکه‌ها ویژگی دیگر مدیریت جهانی است. جهانی شدن به ظهور سیستم‌های متشکل از شبکه‌ها منجر شده است. دیگر یک کشور یا یک سازمان به تنهایی در موضع اقتدار قرار ندارد، بلکه زنجیره‌ای از سیاست‌ها و اجراها بوسیله نیروهای مختلف و یک شبکه پیچیده از روابط جهانی است که قدرت را به دست دارند. مدیریت‌ها باید بتوانند خود را داخل این شبکه‌های پیچیده، اداره کنند و هنر اداره کردن شبکه‌های قدرت را واجد باشند. در شبکه‌ها، قدرت‌های متفاوت در جایگاه‌های مختلفی قرار دارند و تعامل آنها با یکدیگر روابط پیچیده ایجاد می‌کند که شناخت و احاطه به آنها مستلزم دانش، بصیرت و تجربه می‌باشد؛ مدیریت جهانی باید خود را به دانش و هنر اداره شبکه‌ها مجهز سازد. مدیریت باید بتواند از ترکیب و پیوند نیروهای موجود در شبکه‌ها به نوعی هم‌افزایی¹⁶ دست یابد و مجموع نیروها را در ارتباط با کشور خود بهینه سازد.

¹⁴ - Collective identity

¹⁵ - Social capital

¹⁶ - Synergy

5- مدیریت جهان نگر باید تنوع و گوناگونی را پذیرا باشد و از اقوام گرایی و تک ارزشی شدن بپرهیزد. زبان و فرهنگ های دیگران را بیاموزد و خود را جزئی از یک کل بزرگ به نام جامعه جهانی بداند. مدیران سازمان ها باید در جهانی شدن، ذهنی جهان اندیش پیدا کنند و وابستگی و روابط میان ملل را به عنوان یک الزام بپذیرند. آنان باید شبیه مستقل بودن را از ذهن بزدایند و بدانند که دیگر مقوله ای کاملاً ملی و مستقل از جهان پیرامونی وجود نخواهد داشت. مدیران باید خود را تسهیل کنندگان روابط جهانی بدانند و همواره در رفع موانعی که سد راه ارتباطات میان کشورهاست، تلاش کنند. آنان باید بر تراژدی جامعه مرکب که مشکل سازمان های امروزی است غلبه کنند و نوعی همبستگی و اتفاق را میان افکار، اندیشه ها و شیوه های متفاوت به وجود آورند. به عبارت ساده مدیریت جهانی موفق مدیریتی است که وحدت در تنوع و گوناگونی ها را محقق سازد.

6- مدیریت در جهانی شدن باید با همگنان خود در خارج از کشور پیوند و ارتباط داشته باشد، در ایده ها و نظرات آنان شریک شود و از طریق نظام های اطلاعاتی جهانی از الگوها و روش های بهینه جهانی آگاه گردد. مطالعات تطبیقی و الگوبرداری از تجربه های موفق دیگران و آموختن از دیگر نظام ها با برقراری ارتباطات، ابزارهای یادگیری مدیریت جهان نگر است. مدیریت در عرصه جهانی شدن باید بداند که از هر کشوری می توان نکته ای جدید آموخت و با نفی و حذف دیگران نمی توان در این عرصه راه به جایی برد. بدین ترتیب ارتباط داشتن با دیگر کشورها و با خبر و آگاه بودن از جهان، راز توفیق مدیریت عصر جهانی شدن است. تولید دانش از طریق افزودن بر هم حاصل می شود؛ بنابراین باید با الگوبرداری از بهترین ها به دانش های تازه دست یافت و دانش موجود خود را ارتقا بخشید.

7- مدیریت سنتی در سیر تکاملی خود ابتدا به اهداف خاص در شاخه های مختلف وظیفه ای دل مشغول بود. با تحولات به وجود آمده در زمینه های اجتماعی، فرهنگی و افزایش انتظارات اجتماعی، مسؤلیت اجتماعی¹⁷ را به مجموعه مسؤلیت های خود افزود و نگاه سازمانی را به دیدی اجتماعی-سازمانی تبدیل کرد. حال در جهانی شدن باید نگرش مدیریت وسیع تر شده و دربرگیرنده مسؤلیت سازمانی، اجتماعی و جهانی باشد. احساس مسؤلیت جهانی¹⁸ موجب می شود تا مدیریت مسائل درونی سازمان و جامعه را در بستر جهانی بررسی کند و به نتیجه ای مناسب و مطابق با مصلحت جهانی دست یابد. در مدیریت جهان نگر، مصلحت عامه مفهومی وسیع تر از مصلحت یک جامعه خاص بوده و مصالح کل جامعه بشری را دربر می گیرد. مدیریت در این دیدگاه باید از جزءنگری و محدوداندیشی که به بهینه سازی های جزئی می انجامد حذر کرده و به کل نگری و کلان اندیشی روی آورد. امروزه مسائل و مشکلات جهان مانند به مخاطره افتادن صلح و نظم جهانی، آسیب پذیری های زیست محیطی و پایداری شدن حقوق بشر برای حل، نیاز به همکاری و همیاری همه دول و جوامع دارد و مدیریت باید با چنین جهت گیری به ایفای نقش پردازد و خود را پاسدار منافع و مصالح سازمانی، اجتماعی و جهانی بداند.

8- جهانی شدن، فرهنگ های مختلف را در تعامل نزدیک باهم قرار می دهد. ارتباطات در کلیه وجوه خود تعاملات فرهنگی را تسهیل می کند و در این رابطه فرهنگ جهانی شکل می گیرد. مدیریت جهان نگر باید بتواند ضمن حفظ

¹⁷ - Social Responsibility

¹⁸ - Global Responsibility

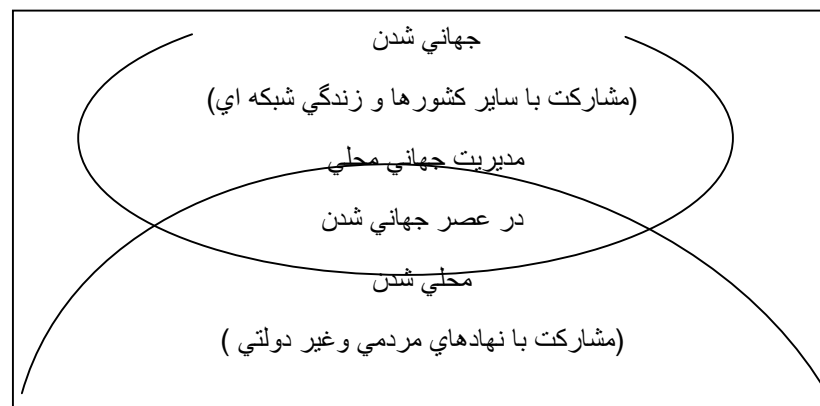
فرهنگ پایدار خودی، سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها را پاس بدارد و همزیستی با سایر فرهنگ‌ها را امکان‌پذیر کند. در یک رابطه جهانی نمی‌توان با نفی دیگران حیات خود را تضمین نمود. باید اجازه داد تا فرهنگ‌ها با هم مرتبط شوند و در این دادوستد فرهنگی، فرهنگ‌های برتری با ارزش‌های والاتر برای مردمان جهان شکل گیرند. توجه به اخلاقیات در جهانی شدن ضرورتی غیرقابل انکار است زیرا زمانی که سلطه ارزش‌های اقتصادی در جهانی شدن خود می‌نماید تنها با اتکاء به ارزش‌های جهان شمول چون عدالت و انصاف و پاس داشتن نسبت به کرامت انسانی است که می‌توان بر ارزش‌های صرفاً اقتصادی مهار زد و آنها را در مسیری متعادل قرار داد.

کلام آخر:

فرآیند جهانی شدن به صورت امواجی توفنده و غیرقابل اجتناب تمامی مرزهای سیاسی و قانونی کشورها را در هم می‌نوردد و دولت‌ها باید با پذیرش این پدیده بکوشند تا در اداره مؤثر آن، بهترین نتیجه را برای کشور خود حاصل سازند. نقش مدیریت سازمان‌ها در چنین شرایطی بسیار خطیر و مهم است. مدیریت به صورت سنتی خود برای انجام چنین مأموریتی کارآمدی نخواهد داشت. نگرش درون نگر مدیریت سنتی باید جای خود را به نگاه برون نگر و جهانی بدهد. مدیریت باید خود را از محدودیت سازمان و دولت برهاند و به مجموعه سازمان، دولت و جهان بیانیدشد. به قول دانیل بل امروزه دولت-ملت برای حل مسائل بزرگ زندگی بسیار کوچک و برای حل مسائل کوچک زندگی بسیار بزرگ شده است (واترز، 1379). برای رویارویی با مسائل پیچیده و گسترده امروز باید با شیوه ای نو به استقبال مسائل جهانی رفت و با قبول یک حیات جمعی مشارکت جو و گشوده به سوی دیگران، پدیده جهانی شدن را به گونه ای سازنده پذیرا شد.

اما فراموش نکنیم که مدیریت در جهانی شدن باید بتواند ضمن نگاه بیرونی و جهان نگر، فرهنگ، جامعه، و مرزوبوم خود را نیز حفظ نماید و قدرت یافتن شبکه های محلی درون مرزی را نیز مورد توجه قرار دهد. مدیریت معاصر برای موفق شدن نیاز دارد که ضمن مشارکت با سایر کشورها و زندگی در یک شبکه جهانی، توانایی مشارکت با نهادهای غیردولتی و محلی را نیز پیدا کند و راه ورسم زندگی جهانی-محلی را بیاموزد. در این شرایط سازمان باید مسیری متعادل را که حاصل توازن بین درون‌نگری و برون‌نگری است انتخاب نماید و بکوشد تا جهانی شدن را با محلی شدن تلفیق کند.

شکل شماره (1) نشان می‌دهد که چگونه مدیریت جهانی-محلی موفق، فصل مشترک و منطقه هم‌پوش جهانی شدن و محلی شدن است و هر چه این دو منطقه هم‌پوشی بیشتری پیدا کنند، مدیریت جهانی-محلی موفقیت‌های بیشتری کسب خواهد کرد.



شکل شماره 1- جهانی شدن و محلی شدن توأمان در سازمان‌های معاصر برای کسب موفقیت تلاش مدیریت جهانی با آشتی دادن پدیده‌های محلی شدن و جهانی شدن، ضمن حفظ هویت منطقه ای، جایگاه کشور و سازمان‌های آن را در جهان رقابتی ارتقا می‌بخشد و این رسالت بزرگ و خطیری است که مدیران عصر ما باید تحقق بخشند و شاید راهی جز این نیز برای بقا در جهان متلاطم و متحول وجود نداشته باشد.

فهرست منابع:

1. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه مردانی گیوی-مریدی، تهرانی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، 1379.
2. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشرنی، 1380.
۳. Baltonnado, a.p the study of p.a. intimes of globalization journal of p.a. research ۷(۴), oct. ۱۹۹۷.
۴. Buchholz, r.a. management response to public issues, n.j.: prentice _hall. ۱۹۹۸
۵. Common, r.k. "convergence and transfer: a review of globalization" international journal of public sector management, ۱۱(۶), ۱۹۹۷.
۶. Cooper, p.j. et al public administration for ۲۱ century. Fort worth: Harcourt brace ۱۹۹۸.
۷. Dyson, E. "looking ahead..." HBR-, sop. oct, ۱۹۹۷.
۸. Farazmand, A. "globalization and public administration" RAR ۵۹(۶) nov./dec. ۱۹۹۹.
۹. Giddens, a. the consequences of modernity, Cambridge: polity press, ۱۹۹۰.
۱۰. Heilbroner, r. twenty - first century capitalism, Ontario" ANANSI. ۱۹۹۲.
۱۱. Held, global transformations. cambridge" polity press, ۱۹۹۹.
۱۲. Hirst, p. and G. Thompson, globalization in question. Cambridge: Polity Press, ۱۹۹۶.
۱۳. Huddleston, m.w. "onto th Darkling plain: Globalization." Journal of P.A. Rsearch ۱۰(۴), oct. ۲۰۰۰.
۱۴. Kettle, d.f. "The Transformation of Governance". PAR ۶۰(۶) Nov ۲۰۰۰.
۱۵. Lenkowsky, L. and perry, J.L. Reinventing government" PAR ۶۰(۴) July/Aug. ۲۰۰۰
۱۶. Osborne, D. and Gaebler, T. Reinventing Government, Mass" Addison-Wosley, ۱۹۹۲.
۱۷. Rosenau, j.n. "The Relocation of Authority...." "Comparative Politics ۴ Apr. ۱۹۹۲.
۱۸. Sander, H. "Multilateralism..." World Trade, London: Routledge, ۱۹۹۶.
۱۹. Scholte, J.A. Globalization, London: Palgrave, ۲۰۰۰.

٢٠. Sunkel.Oand Zuleta , G. “Neo – StrucTuralism verses Neoliberalism in ١٩٩٠s”CEPAL Review٤٢,١٩٩٠:.
٢١. Wallerstein, I. Unthinking Social Science, Cambridge:Polity press١٩٩١.
٢٢. Zamor Garcia P.A. inGlobal Village, Westport: praeger,١٩٩٤.